

پیکار خستگی ناپذیر

هممیهنان، همزمان،

در هنگامه‌ای بس نابهنجار، که ایرانیان یکی از سهمگین‌ترین برهه‌های زندگی پرفرازونشیب خود را می‌گذرانند و با درهم‌شکستن جدول ارزش‌های انقلاب و پافشاری در به‌کار بستن برنامه‌های واپس‌گرایانه هستی‌مُلّی به‌سختی آسیب دیده است، چهل‌هشتمین سالگرد خجسته‌روز «بنیاد»، سرآغاز پیکاری رهایی‌بخش، فرامی‌رسد. در فراگرد زندگی ملت‌ها، پاره‌ای رویدادها آن چنان بعدهای گسترده‌ای می‌یابند که از یاد نرفتگی و آینده‌ساز می‌گردند.

هجوم دژخویانه‌ی امپریالیست‌های جهان‌خوار با کارسازی جنگ‌افزار و فن‌سالاری پیشرفته‌ای که داشتند به ایران‌زمین فروپاشاندن یکپارچگی و از پویایی انداختن فرهنگ کهن‌بنیان آن را در پی آورد؛ ولی خوب پیدا بود این گسست در زندگی ملّی دیری نمی‌پاید و با واکنشی درخور رویه‌رو خواهد شد. درست در بحبوحه‌ی جنگ جهانی دوم، که همه‌ی بخش‌های ایران کنونی نیز به اشغال لشکریان دشمن در آمده بود، شماری از جوانان خودساخته با اندریافت نیاز ملّی، نخست، به ستیزهای پراکنده با سلطه‌گران بیگانه و دست‌نشانندگان آنان پرداختند و سپس در انجمنی نهانی گرد آمدند و سرانجام، در شامگاه پانزدهم شهریورماه یکهزار و سیصد و بیست‌وشش، سازمانی فرهنگی و سیاسی را شالوده‌ریزی کردند که چندی بعد «مکتب پان‌ایران‌سیم» نامیده شد. این در زمانه‌ای بود که، در ایران بلازده، خودباختگی به گونه‌ی بیماری همه‌گیر درآمده و روشنفکرانمیان به گمان‌پروری‌های ناسازوار با قانونمندی‌های زیست اجتماعی بشر روی آورده و شماری از مردم ساده‌دل را هم به دنبال کشانده و، برای درمان همه‌ی آفت‌های به‌هستی‌مُلّی‌رسیده، به بیگانه چشم داشتند؛ ولی، در همین حال، زنان و مردان بیدار دل به پیشوایی مصدق بزرگ با برداشت همه‌جانبه از آزمون‌های خیزش مشروطیت به‌پاخاستند و زمامداران سرسپرده‌ی دشمن را به عقب‌نشینی واداشتند و جنبش ملّی کردن صنعت نفت را به ثمر رساندند و دولتی ایران‌ستا به روی کار آوردند.

در آغازهای این پیروزی درخشان و در پرتو مردم‌سالاری پدیدآمده، بیشتر پرورش‌یافتگان «مکتب پان‌ایران‌سیم» و سازمان‌های برخاسته از آن، که چهار سال پیکار خستگی‌ناپذیر با نیروهای اهریمنی را پشت سر گذرانده بودند، بر نفاق‌های درونی برانگیخته‌ی دشمن چیره شدند و، در یکم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و سی، حزب ملت ایران را پی‌افکنند. از آن پس، این حزب ملت‌گرا به رزمی وقفه‌ناپذیر در راستای یکپارچگی و آزادی و آبادی میهن پرداخت و همواره در کنار مردم ماند و، به‌رغم گسستی که با کودتای بیست‌وهشت مرداد یکهزار و سیصد و سی‌ودو در روند به‌گرد زندگی ایرانیان پدیدار شد، همچنان کوشا بود تا سرانجام از پیشگامان انقلاب گردید.

با این دگرگونی ریشه‌ای، حزب ملت ایران همچون دیگر سازمان‌های سیاسی ایستاده‌به‌خود امیدوار بود تا در نظم نو، نه تنها استقلال ملّی و آزادی‌های فردی و اجتماعی از هر گزندگی به دور بماند و عدالت همگانی گسترش یابد، که با بهره‌گیری از داده‌های سرزمینی سرشار و نیروی انسانی خروشان، دوران سازندگی کشور آغاز گردد و مردم به‌روزی یابند.

با دریغ، چنین نشد و، هنوز نبض توفنده‌ی انقلاب از تپش بازنایستاده، تاروپود سامان فرمانروایی کشور را چنان تنیدند که سخت با فرهنگ ملّی جوشیده از پیوند ایرانیگری و اسلام‌باوری بیگانه بود و بساط یکه‌تازی دگرباره

گسترده گردید و ایران بپاخاسته در شوربختی و پریشانی فروماند. آنچه زیر نام «جمهوری اسلامی» با قانون اساسی پرنقصی بر انقلاب بار گردید و در آن بهای بایسته به «حاکمیت ملی» داده نشد نتوانست هیچ دگرگونی درخوری در رابطه‌های اقتصادی و اجتماعی و هیچ نوآوری سیاسی و پویایی فرهنگی پدید آورد و فرصت‌های تاریخی بسیاری را هم از ایرانیان درربود.

در بحران دهشتناکی که این کهن بوموبر را در خود فروبرده است، درنگ بیشتر روا نیست و باید طومار قلدری را درهم‌پیچید و خواستار برقراری مردم‌سالاری شد که، به عنوان تنها شیوهی درست کشورداری، جز با برگزاری یک گزینش ملی نمی‌توان به آن دست یافت. اما انتخابات عمومی به گونه‌ی فرصتی برای برخورد اندیشه‌ها و بازشناسی نارسایی‌های قانونی و بررسی کردارهای زمامداران، که روشن‌ترین جلوه‌ی مردم‌سالاری می‌باشد، در جمهوری اسلامی پیوسته به نمایشی رسوا بدل گردیده است. وانگهی هنوز هستند چهره‌ها و سازمان‌های سیاسی سردرگمی که به جناح‌بندی‌های درونی برکرسی‌قدرت‌نشستگان دل خوش داشته‌اند و هر گونه کوشش برای کاستن از اختناق را تنها در چارچوب شبه‌قانون‌های ساخته‌شده با قرارومدارهای انحصارگرانه‌ی جمهوری اسلامی توصیه می‌کنند.

حزب ملت ایران تاکنون چند بار پیش‌شرط‌های ضروری برای انجام انتخابات آزاد را طرح کرده و خواستار برآورده شدن آن‌ها گردیده تا، با گذاری آرام، فضای سیاسی باز و مردم‌سالاری بر پا گردد؛ ولی سردمداران جمهوری اسلامی، که به‌رغم آوازه‌گری‌های بسیار به‌خوبی درماندگی خود را حس می‌کنند، با شتاب به زمینه‌چینی برای انجام انتخابات فرمایشی تازه‌ای پرداخته‌اند و، با گماردن شماری دست‌آموز به عنوان «هیئت‌های نظارت» و گسیل پادوهای مزدبگیر به گوشه‌وکنار کشور و زدوبندهای پشت‌پرده، درصددند باز هم نمایش همیشگی را به روی صحنه آورند. پیداست که مردم جان‌به‌لب‌رسیده دیگر زیر بار چنین صحنه‌آرایی زشتی نخواهند رفت و با همه‌ی نیرو و به هر وسیله‌ی ممکن آن را بر هم خواهند ریخت.

اکنون، حزب ملت ایران در چهل‌و هشتمین سالگرد خجسته‌ی «روز بنیاد» از همه‌ی فرزندان این نیاخاک ایزدی در هر کجا هستند و همه‌ی سازمان‌های سیاسی و نهادهای صنفی سلطه‌ستیز در درون و بیرون کشور می‌خواهد، با زنده‌داشت اسطوره‌ی همبستگی همگانی، امیدوار و دلیرانه و به‌دورازهرسازش با بیشترین کارآوری سردمداران جمهوری اسلامی را از خواب‌های ایران‌بربادده بیدار نمایند و رقم‌زن سرنوشت خویش گردند. خجسته باد «روز بنیاد»، پیروز باد ملت.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران